

فرصت برای جبران هست

کار ترجمه و شرح قرآن را بدون اغراق باید از سخت‌ترین کارهای ادبی شناخت. مترجم یا شارح آیات، علاوه بر آشنایی و تسلط به زبان قرآن، می‌بایست تاریخ، فقه، کلام و خیلی علوم دیگر را نیز با خود داشته باشد. در سال‌های اخیر و پس از گذشت سال‌ها از انتشار تفسیر نمونه، فقط تفسیر راهنمای حجت‌الاسلام قرائتی، در زمینه شرح آیات منتشر شده است. اما گویا در همین ایام، ترجمه مجال فراختری داشته است؛ زیرا می‌توان مثلاً به ترجمه‌های دکتر ابوالقاسم امامی، بهاء‌الدین خرمشاهی، طاهره صفارزاده، حجت‌الاسلام حسین انصاریان و... اشاره کرد که همگی در سال‌های اخیر منتشر شده است.

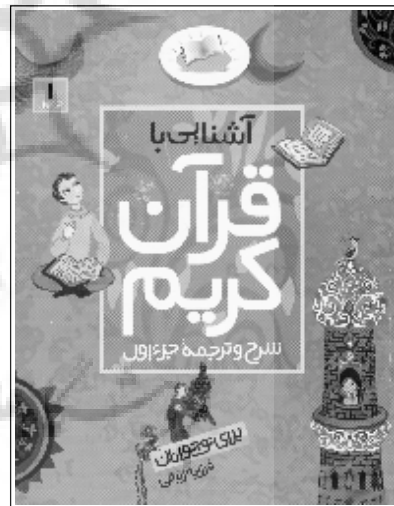
در گروه ادبیات کودکان و نوجوانان، مصطفی رحماندوست، از سال‌های پیشتر اعلام کرده بود که در فکر ترجمه قرآن برای مخاطبین این گروه است تا این که در سال ۷۸، ترجمه جزء سی‌ام او راهی بازار کتاب شد. سال گذشته، برخلاف انتظار عمومی ۵ جلد از شرح و ترجمه قرآن مجید، توسط فرزانه زنبقی، به بازار آمد که هر کدام از مجلدات آن، یک جزء از قرآن را دربر می‌گرفت. این اقدام در جای خود ستودنی است و قطعاً نقد چنین اثری می‌تواند آینده بهتری را برای این تلاش‌ها رقم بزند.

مترجم و شارح، در مقدمه کوتاه و یک صفحه‌ای خود، وعده «زبان ساده، شرح آیات، اشاره به شأن نزول آیات و...» را به مخاطب نوجوان داده است. گرچه متأسفانه، آن‌چنان که باید و شاید، بر سر این پیمان نمی‌ماند و مثلاً در بسیاری از موارد، شأن نزول آیات را بیان نمی‌کند.

با توجه به توصیه‌هایی که برای قرائت متن قرآن شده است، بهتر بود که ناشر و نویسنده، متن قرآن را نیز در این اثر جای می‌دادند که قطعاً مخاطب می‌توانست استفاده‌های مضاعفی از این حرکت ببرد.

صاحب این اثر ترجیح داده که ابتدا شرح آیات را بیاورد و سپس ترجمه آنها را. این انتخاب نه چندان شایسته، باعث شده که ترجمه آیات، گواه یا شاهی بر شرح داده شده به نظر برسد و گویی ترجمه برای تکمیل شرح آمده

○ حمید باباوند



- عنوان کتاب: آشنایی با قرآن کریم (۵ جلد)
- مترجم: فرزانه زنبقی
- ناشر: تاریخ و فرهنگ
- نوبت چاپ: اول - ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۰
- شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه (هر جلد)
- تعداد صفحات: ۸۴ صفحه (هر جلد)
- بها: ۹۰۰ تومان





است و نه برعکس.

این انتخاب ترتیب ترجمه و شرح، باعث شده است که مولف در مواردی ناگزیر به نوشتن پاورقی برای ترجمه شود.

مترجم و شارح، از کار خود، به عنوان «تدوین قرآن» نام برده است. به نظر می‌رسد که این اشتباه در مراحل حروف‌نگاری و نمونه‌خوانی، در متن کتاب شکل گرفته باشد؛ زیرا مؤلف نیز قطعاً به شایستگی آگاه است که کار تدوین قرآن،

در حدود ۱۴۰۰ سال قبل صورت گرفته

است و از طرف دیگر، عملکرد

شارح و مترجم، به گونه‌ای است

که می‌توان آن را «تدوین شرح

و ترجمه قرآن» دانست؛ زیرا

در بسیاری از موارد، این ترجمه

به ترجمه ویژه نوجوانان

نزدیک نشده و چیزی در حد

ترجمه‌های معمول و در دسترس

عموم باقی مانده است.

در پاره‌ای موارد نیز متأسفانه،

برخی کلمات اساساً ترجمه نشده و

به همان شکل مورد استفاده قرآن،

استعمال شده است.

شاید بیش از هر چیز و پیش از هر

حرفی باید از کتاب، به سبب ارائه دینی که

در سطح فهم نوجوان نیست، گله کرد. شارح

و مترجم، در ص ۲۱ جلد اول، در توصیف قرآن

می‌گوید: «قرآن از نظر ادبی برای ادیبان، از نظر

حکمت برای حکیمان، از نظر علمی برای

دانشمندان، از نظر اجتماعی برای قانون‌گذاران، از

نظر سیاسی برای سیاستمداران و از هر نظر

معجزه‌ای بزرگ است.»

در حالی که نوجوان، ما به ازای بیرونی چنین

توصیفی را در جامعه خود نمی‌بیند. پس طبیعی

است که در صحت تمامی ادعاهای مترجم و شارح

تردید کند.

اگر بخواهیم به صورت گذرا، نگاهی به نواقص

کتاب داشته باشیم، قطعاً به موارد زیر اشاره خواهیم

کرد:

عنوان‌بندی نه چندان مناسب برای بخش‌ها

و قسمت‌های مختلف؛ آن‌چنان است که در بسیاری

از موارد، می‌توان آن را به عنوان‌بندی‌های کتاب

«مفاتیح الجنان» تشبیه کرد، در حالی که چنین

کتابی می‌بایست از عناوین زیباتر و متنوع‌تری

برخوردار باشد.

موارد مختلفی را می‌توان به عنوان مثال ذکر

کرد که شرح، کمکی به ترجمه نکرده است. حال یا

هر دو تکرار یک فرد هستند و یا شرح، به اندازه‌ای

ناقص است که ابهامات خود و ترجمه را برطرف

نکرده است. یکی از نواقص شرح را می‌توان در

عدم ایجاد ارتباط میان آیات دانست. به

زبان دیگر، حلقه مفقوده ارتباط میان

بسیاری از آیات، توسط شارح

بازشناسی نشده است. طبیعی

است که ذهن پرسشگر مخاطب

نوجوان، از عدم اقتناع چنین

انتظاری، ناراضی خواهد بود.

در پاره‌ای موارد نیز می‌توان

از مترجم و شارح، به سبب ترجمه

بد و تفسیر اشتباه، گله‌مند بود که

هر دو اینها را می‌توان به پای

کم‌دقتی مؤلف، در استفاده از کلمات

و پرداختن جملات گذاشت.

گذشته از این نواقص، کتاب در

جاهای مختلفی نیز به خوبی از عهده

انجام وظیفه برآمده است. به عنوان

مثال، مترجم و شارح، در جلد اول،

صفحه ۶۳، در بازگویی داستان هاروت و

ماروت، علاوه بر توجه ویژه در استفاده از کلمات، نیاز

مخاطب را شناخته و صرفاً به ترجمه یا شرح ساده

ترجمه رضایت نداده و داستان کاملی از این دو فرشته

نقل کرده است.

این شیوه، کاملاً شایسته ذهن پرسشگر و

جویای مخاطب نوجوان است.

شارح و مترجم، تاکنون تنها ۵ جلد از مجموعه

۳۰ جلدی مورد نظر خود را منتشر کرده است. پس

به نظر می‌آید که هنوز فرصت زیادی برای جبران

آن چه مورد بی‌مهری واقع شده، باقی است.

مشتاقانه، چشم انتظاریم تا دیگر مجلدات این اثر

ارزشمند را خالی و عاری از هر نقصی ببینیم.

